

ششم جدی سال 1391 خورشیدی

27 دسامبر سال 2012 میلادی

کابل – افغانستان



باز هم ششم جدی فرا رسید

ساعت یک بعد از ظهر 25 دسامبر سال 1979 را بخاطر
بسیاریم .



خوانندگان ارجمند وگرامی !

امروز ششم جدی سال 1391 خورشیدی برابر به بیست و هفتم ماه دسامبر سال 2012 میلادی است. من امروز سخنی چند در باره ششم جدی سال 1358 خورشیدی و تجاوز اشکار شوروی ان روزه به خاک و تمامیت ارضی افغانستان نوشته و اینک باز هم این یاد داشت ها را پیش کش همه انسانهای ازاده و انتی امپریالیست مینمایم. همه انسانهاییکه خود را ملی – دموکرات مینامند ، بایست خود را برای مبارزه ملی – دموکراتیک آماده تر سازند.

استعمار نوین جهانی با ارتجاع کهن و پوسیده و شاریده داخلی و منطقه هریک بنوبه خویش برگرده مردم ما سنگینی مینمایند و از بام تا شام گرسنگی /-
قیمتی - بیکاری - فقر - رشوه - فساد - تجاوز - استبداد - در یوزه گی -
مریضی - اعتیاد - و انواع گوناگون مشکلات اقتصادی - سیاسی - نظامی
- اجتماعی و فرهنگی - صحتی - و روانی از کران تا کران فغان ستان بیداد
مینماید .

بایست با ارزیابی از تجاوزات اشکار و نهان و خونین بازهم باهشیاری هر
چه بیشتر برای فردای بهتر - برای افغانستان مستقل - ازاد - اباد - شگوفان
- دموکراتیک و متکی بخود گامهای دقیق تر و سنجیده تر برداریم.



باز هم ششم جدی فرا رسید

ساعت یک بعد از ظهر 25 دسامبر سال 1979 را بخاطر
بسیاریم .

بیاد روز های گذشته

بیاد تاریخ ای که در افغانستان بار دیگر به شکل دیگر تکرار گردید و امید که
بار دیگر تکرار نگردد

بیاد هزاران هزار انسان به خاک و خون خفته

بیاد هزاران هزار سپاهی گمنام

بیاد هزاران هزار انسان که زیر شکنجه ها جان دادند یابا رنج ها از
پولیگون پلچرخي رهائی یافتند ...

بیاد هزاران خانه، باغ و راغ، پل و پلچک، مکتب و مدرسه، مسجد و خانقاه،
دشت و دمن، کوه و کوهساری که به توپ و گلوله و راکت و بمباران هوایی
وزمینی بسته شدند

بیاد هزاران هزار انسانی که کفن پوشیدند و بنام مجاهد در راه استقلال
افغانستان جان شان را فدا ساختند

بیاد عزیزان که دلاورانه بخاطر تحقق استقلال افغانستان و تامین دیموکراسی
و آزادی و عدالت اجتماعی تا پای جان رزمیدند

به پاس هزاران هزار بیوه در افغانستان

به پاس هزاران هزار کودک یتیم و یتیم در افغانستان ...

به پاس هزاران هزار زخمی و مین خورده در افغانستان ...

به پاس همه آنهاییکه می رزمند و تا هنوز تسلیم انواع ظلم و ستم و استبداد نشده اند ...

بیپاس اشک های مادرانی که بخاطر شهادت فرزندان شان از گونه های خویش ریختند ...

بیپاس اشک های خانم هائی که بخاطر شوهران شان و کودکان ایکه بخاطر پدران و مادران و عزیزان شان ریختند

بیپاس ملیونها انسانی که در کشورهای گوناگون از کران تا کران کره زمین آواره و سرگردان شدند و بنام مهاجر تا امروز سرگردان و بیخانمان اند

بیپاس درفش آزادی و زنده گی با آرمان آزاده گی

خواننده عزیز و ارجمند !

برای بسیاری از ما و شما مبرهن و روشن است که در 27 دسامبر سال 1979 برابر به ششم جدی سال 1358 افغانستان مورد تجاوز آشکار شوروی و لشکر یانش قرار گرفت. از آنروز تا امسال سی و سه سال میگذرد. همه ما و شما آنروز و روزهای بعدی از آنرا بخاطر داریم. همه ما و شما کودتای های بیست و ششم سرطان 1352 و کودتای هفت ثور 1357 را شاید بخاطر داشته باشیم.

بیاد داریم حزبی را که در اول جنوری 1965 بنام حزب دموکراتیک خلق بنیان نهادند و رهبران آن حزب در آغاز خود را حزب اصلاح طلب و ریفورمیست خوانده و طرفدار مبارزه مسالمت آمیز و پارلمانی بودند اما در بیست و ششم سرطان 1352 با کودتای داود خان یکجا شده و برای داود خان

بیانیه " خطاب به مردم " را تهیه کردند و در کرسی های وزیر و حاکم و مامورین بلند رتبه و پائین رتبه لم دادند.

از بیست و ششم سرطان ببعدهم همان حزب ریفورمیست به حزب توطئه گر و کودتاچی تبدیل گردید و در پیش از کودتای هفت ثور دو فرکسیون آن که بنام " خلق " و " پرچم " یاد میشدند، بار دیگر با هم ائتلاف نموده و در هفت ثور 1357 خورشیدی با کودتای نورمحمد تره کی و حفیظ الله امین به اریکه قدرت سیاسی لم دادند و باز هم کودتا را انقلاب گفتند.

رهبران آن حزب نام نهاد به نام ها و اصطلاحات حزب، انقلاب، سوسیالیسم؛ گارگر، دهقان، خلق، مردم، ترقی، دیموکراسی و... چنان بازی کردند که هم واژه ها و مولفه ها و هم مردم ما بیش از حد تصور آسیب دیدند.

فرامین شماره ششم، هفتم، هشتم هم نتوانست رهبران مستبد و ظالم و فاشیست را به اریکه اقتدار نگهدارد تا آنکه ارباب شان از کریملن مستقیماً مداخله آشکار تر نمود.

از این ببعدهم شمارا به خواندن مطالب از رهبران نظامی و سیاسی شوروی آن زمان جلب مینمایم.

در کتاب بنام " ارتش سرخ در افغانستان " که به قلم ب. گروموف قوماندان عمومی قوای اشغالگر روس به رشته تحریر آمده است، میخوانیم که :

" محکومین به پیروزی "

" نورمحمد تره کی ... و هواداران وی میتوانستند مطمئن باشند که پیوسته اتحاد شوروی به آنان کمک خواهد کرد ... رژیم تازه کابل " محکوم به پیروزی " بود و حق نداشت با حکومت نظر به دلایل زیر وداع بگوید:

انقلاب در هیچ کشوری تا زمانی که اتحاد شوروی وجود داشت، نمیتوانست ناکام گردد. این امر بنوبه نخست شامل حال کشورهای هم

مرز با اتحاد شوروی میگردد... " 1

" وقایع آوریل 1978 را می توان به مثابه پیروزی یک گروه بر گروه دیگر ارزیابی کرد. هواداران نورمحمد تره کی که در جناح " خلق " گرد آمده بودند، پس از رسیدن بقدرت، ناگذیر بودند در دو جبهه به مبارزه پردازند. از یکسو

آنان نمیتوانستند اجازه بدهند تا پشت سر از سوی همزمان خویش در حزب دموکراتیک خلق مورد شیبخون قرار گیرند. از سوی دیگر سرنگونی دولت انقلابی زیر فشار مخالفان برای ایشان تحمل نا پذیر بود. در بهار سال 1979 کاملاً روشن گردید که در افغانستان به مفهوم واقعی کلمه جنگ داخلی در گرفته است. " 2

" زمان بحران "

حسب دستورهای شفاهی وزیر دفاع، مارشال اتحاد شوروی د.ف. اوستینف در ماه دسامبر بیش از 30 رهنمود مختلف داده شد که مطابق آن در " قلمرو فرماندهی نظامی ترکستان " و " فرماندهی نظامی آسیای میانه " نزدیک به یکصد یگان رزمی تشکیل شد. مرکز فرماندهی ارتش " سپاه " چهلیم مشتمل بر سه لشکر موتوریزه، یک تیپ تهاجمی کماندو، یک هنگ ویژه موتوریزه، تیپ های توپخانه، موشک انداز. پدافند هوایی و همچنان چندین یگان مختلف رزمی و خدمات پشت جبهه تاسیس گردید. برای بسیج و تکمیل لشکرهای مستقر شده، بیش از 50000 افسر، درجه دار و سرباز از نیروهای ذخیره ارتش احضار گردیدند. جهت تامین نیازهای سپاه نزدیک به 8000 کامیون در اختیار موسسات تولیدی گذاشته شد. برای هردو فرماندهی نظامی این آرایش نظامی بزرگترین آرایش در نیم قرن اخیر بود. در پادگانها و کمیساریای نظامی براین باور بودند که بازرسی عادی در جریان است تنها در 24 دسامبر در گردهمایی هیات رهبری وزارت دفاع اعلام گردید که رهبران شوروی تصمیم گرفته اند به افغانستان نیرو بفرستند تا فرا رسیدن این موعد، نیروهای عمده سپاه وظیفه داشتند بر پایه رهنمود وزارت دفاع اتحاد شوروی به سوی افغانستان مارش کرده و در قلمرو آن کشور مستقر گردند. زمان دقیق عبور از مرز تعیین گردیده بود.

ساعت یک بعد از ظهر 25 دسامبر سال 1979 "

" بامداد 25 دسامبر 1979، فرمانده سپاه چهلیم، سر لشکر تورخاینف، دوبار با سر لشکر بابا جان رئیس اداره عملیاتی ستاد کل نیروهای مسلح افغانستان و عبد الله امین، برادر بزرگ حفیظ الله امین در شهر کهندهژ - کندز در شمال افغانستان دیدار کرد. در همین زمان در نزدیکی " پل دوستی " که سپاهیان

شوروی از روی آن آمد و شد میکردند، یگان های پشتیبانی سپاه، یک پل شناور 60 تنی برای گذار از روی رود آمو برپا کردند.

طرح اصلی استقرار نیروهای سپاه در آن خلاصه میگردد که در دو راستا از مرز دولتی گذشته و به قلمرو افغانستان در آیند و در پایان هجوم به ترمز - کابل - غزنین و تورغندی - هرات - قندهار - مهمترین مراکز اداری کشور را حلقه بزنند. چنین برنامه ریزی شده بود که پادگانهای سپاه را روی این حلقه مستقر ساخته ..."

" 25 دسامبر گردان ویژه اکتشافی، لشکر 108 زره دار از مرز دولتی افغانستان و شوروی عبور کرد. همزمان با آن هواپیمای ترابری نیروی هوایی با سربازان جنگ افزار های مربوط به لشکر 103 کماندوی هوایی از فراز مرز گذشتند. کماندوهای این لشکر با چتر به فرودگاه کابل فرود آمدند. در آستانه پیاده سازی نیرو به افغانستان معاون اول وزیر دفاع، مارشال اتحاد شوروی س. الف. سوکولوف و فرمانده نیروهای فرماندهی نظامی ترکستان سپهبد یو. پ. ماکسیمف به محل فرماندهی سپاه چهارم حضور یافتند. به طوری که تورخاینف به یاد می آورد.... هجوم بسوی کابل شبهنگام ادامه یافت ...

بامداد 26 دسامبر ژنرال تورخاینف همراه با مارشال سوکولوف بر فراز کاروانهای اعزامی به افغانستان پرواز کردند. در همین هنگام کاروانهای لشکر 108 موتوریزه که به سوی کابل هجوم نموده بودند، به حومه این شهر نزدیک شدند....

با فرارسیدن بامداد 28 دسامبر لشکر 108 موتوریزه کاملاً در شمال خاوری کابل مستقر گردید و با نیروی لشکر 103 کماندوی هواپرد ارتباط برقرار ساخت. " 3

ببینیم که رهنمود رهبران شوروی در سطح دیپلماتیک بین المللی چگونه بود؟

" خیلی سری

بخش خاص

نیویورک به نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل

در صورت تلاش کشور، مبنی بر مطرح ساختن درگیری ما در رابطه با افغانستان، در شورای امنیت سازمان ملل سرسختانه بکوشید تا از شمول این موضوع در دستور کار جلسه جلوگیری کنید. خاطر نشان بسازید که این مساله مربوط به مناسبات دو جانبه افغانستان و شوروی است، که دو کشور به حل و فصل آن میپردازند. ضمناً یاد آور شوید که مطابق به ماده 51 آیین نامه سازمان ملل متحد جمهوری دموکراتیک افغانستان از حقوق پذیرفته شده بین المللی که از اتحاد شوروی در زمینه همکاری برای دفع تجاوز یاری درخواست نماید و اتحاد شوروی از اینکه چنین همکاری و یاری را به افغانستان ارائه دهد برخوردارند. " 4

ببینیم که روابط ایالات متحده امریکا و شوروی در مورد لشکر کشی به افغانستان چگونه بود؟

در همین کتاب نامه ایرا که برای جیمی کارتر روان شده، میبینیم و بخشهای آنرا میخوانیم که :

" خیلی سری

آقای رییس جمهور محترم

در پاسخ پیام تاریخی 29 دسامبر سال جاری شما لازم میدانم مطالب زیر را به اطلاع برسانم:

به هیچ وجه نمیتوان با ارزیابی شما از آنچه تا کنون در جمهوری دموکراتیک افغانستان میگذرد موافقت نمود. از طریق سفیر شما در ماسکو ما صادقانه برای امریکا و برای شخص شما حقایق رویداد های افغانستان و همچنان عللی که مارا و ادار به دادن پاسخ مثبت به درخواست حکومت افغانستان مبنی بر اعزام واحد های محدود نظامی شوروی به آن کشور گردید، توضیحات مستندی ارائه کردیم.

... شما در پیام تان یادآوری میکنید که ما با حکومت ایالات متحده امریکا پیرامون مسایل افغانستان در آستانه اعزام نیروهای نظامی به این کشور مشورت نکرده ایم. اجازه بفرمایید از شما بپرسم آیا شما با پیش از آنکه به استقرار همه جانبه نیروهای دریایی تان به آبهای هم مرز با ایران در خلیج فارس دست زدید و در بسیاری دیگر از مواردی که می بایست حد اقل مارا در جریان میگذاشتید، با ما مصلحت کرده بودید؟

در روشنی آنچه که گفته شد زمختی برخی از جملات پیام شما هویدا می‌باشد .
آنها بخاطر چه است؟

ل.ای بریژنف 29 دسامبر 1979 .. " 5

خواننده عزیز و ارجمند !

آنچه من بخاطر دارم هجوم شوروی در افغانستان بی پاسخ نماند و مردم افغانستان به اشکال مختلف و خود بخودی و در جاهائی به شکل سازماندهی شده برضد آن نبرد را ادامه داد. تنظیم ها و احزاب یکی پی دیگر تشکیل شده و رشد داده شدند.

بیاد دارم که در هفته اول جنوری در شهر بن المان غرب بزرگترین مظاهره افغانها بر ضد تجاوزگران شوروی سامان داده شد و تجاوز شوروی محکوم گردید.

همچنان بخاطر دارم که از جانب دولت ببرک کارمل یک دیپلمات سابقه دار وزارت خارجه افغانستان آقای عبدالرحیم غفور زی به قصد سفر به سازمان ملل متحد به نیویارک فرستاده شده بود تا گویا از تجاوز شوروی و حاکمیت ببرک کارمل دفاع نماید اما وقتی غفور زی در فرانکفورت رسید، با دوستانی در هتل دیپلمات جلسه ای دایر گردید. احمدشاه داماد آقای حیدر عدالت و محمد علی کاشفی که با منیره جان خواهر زاده حیدر عدالت ازدواج نموده اند، همچنان در آن جلسه حضور داشتند .

غفور زی تعهد سپرد که در ملل متحد از موضع و موقف مردم افغانستان و افغانستان ای که به وی تجاوز شده است، صحبت خواهد کرد.

غفورزی آنچنان کرد که قول داده بود. متن سخنرانی غفور زی در مجلات و نشرات آنروزی ایالات متحده امریکا و بسا کشور ها به چاپ رسید و دیری نگذشت که ترجمه دری آنرا غفور زی به نویسنده این جملات فرستاد و من برای نشر به جریده آزادی / ارگان ملی دموکراتیک مردم افغانستان سپردم و همان وقت در شماره ای که بخاطر سوم حوت 1358 به چاپ رسیده بود، منتشر شد.

در واقعیت امر شوروی آنزمان کور خوانده بود و تصور مینمود که میتواند اراده ملی -دموکراتیک غفوری را برای منافع خود سمت و سو بدهدولی غفوری در سطح بین المللی نخستین تیر را به قلب کریمن فرستاد.

یاد غفوری گرامی باد !

ببینیم که فرمانده قوای شوروی چه را باخود به ارمغان برد ؟

خروج قوای شوروی از افغانستان :

در مورد اینکه از آغاز تجاوز شوروی تا آخرین روز اخراج آنها و فروپاشی شوروی بر حزب دموکراتیک خلق و بعدا وطن ! چه گذشت و بالای مردم چند هزار تن گلوله و سرب مذاب ریخته شدو چند هزار هزار انسان کشته شدند و چند هزار هزار خانواده آواره شدند و چه خسارات مادی و معنوی بر افغانستان و مردمش تحمیل گردید؟ در این موارد و موارد دیگر باید زیاد نوشت . یقینا فرزندان مرزوبوم افغانستان بر خود زحمت را هموار مینمایند و در این موارد نوشته اند و باز هم خواهند نوشت.

اما بخوانیم که فرمانده قوای تجاوز گر شوروی چه نوشته است :

" شکست یا پیروزی

طی پنجاه سال اخیر جهانیان تماشاگر بیش از 90 در گیری و جنگ منطقه ای بوده اند . پاره از این جنگ ها سالها به درازا کشیدند . قربانیان بیشماری به همراه داشتند . برخی دیگر بی آنکه در بگیرند، در آستانه وقوع به خاموشی گراییدند.

.. برای نفرات محدود سپاهیان شوروی جنگ افغانستان به تاریخ پانزدهم فروری 1989 به پایان رسید.

اندوهبارترین ارمغان جنگ افغانستان کشته شدن سربازان و افسران ما است.

از 25 دسامبر 1979 تا 15 فروری 1989 ما به تعداد 13833 نفر از جمله 1979 افسر و ژنرال کشته دادیم . در روند عهملیات رزمی در قلمرو افغانستان افزون بر آن 572 تن از ماموران کاگی بی، 28 مامور انتظامی و 190 مشاور نظامی از جمله 145 افسر کشته شدند. 172 افسر به علت دیدن زخمهای سنگین خدمت نظامی را ترک گفتند و 6669 نظامی معیوب گردیدند

که از جمله 1479 نفر آنان معلولان درجه اول اند. به علت اوضاع ناهنجار اقلیمی که زمینه را برای ساری شدن بیماریهای مکروبی در میان پرسونل سپاه فراهم میساختند بیش از 115308 نظامی مبتلا به بیماری زردی و 31080 نظامی دیگر مبتلا به بیماری برانشیت عمیق گردیدند.

نه سال تمام جنگ هزاران سرباز و افسر کشته و زخمی، مادران به سوگ نشسته، هزینه های سرسام آوری برای حفظ حکومت و شگوفائی اقتصادی افغانستان؟! آخر چه؟

همه اینها برای هیچ برباد داده شد؟

نه هرگز نه .

هرچه باشد ، هرچه تلخ و ناگوار باشد، ما امروز باید اعتراف کنیم :

افغانستان برای بسیاری و در گام نخست برای ما روشنترین الگویی گردید که نشان میدهد، حل و فصل مسایل سیاسی با توسل به زور بی نتیجه است"

فروپاشی فراگیر اردوگاه سوسیالیستی در آغاز و در پی آن اتحاد شوروی در دسامبر 1991 تنها پیامد بحران ژرفی بود که رهبران شوروی و کلا نظام در آن فرورفته بودند. "

-----/

رویکردها :

1 - ارتش سرخ در افغانستان - صفحه 3 و 4 - نوشته ب گروموف
مترجم عزیز آریانفر

- 2- همان کتاب صفحه 5
- 3- صفحه های 65 و 66 همان کتاب
- 4- صفحه 69 همان کتاب
- 5- همان کتاب- صفحه های 73 و 74
- 6- از صفحه های 225 تا 227 همان کتاب